



شبنم کریمی

سرطان کار خودش را کرده بود. مادر دیگر نمی توانست روی پاهایش بایستد، جابه جایی و انجام امور مربوط به او با توجه به وخامت احوالش دیگر برای من و خواهرم تقریباً غیرممکن شده و از توانمان خارج بود. خیلی دوست داشتم همچنان خودم خدمتگذار و جود نازنینش در آن روزهای سخت باشم. اما حقیقتاً حرکت دادن و انجام خواسته ها و نیازهایش با توجه به تن درد مند و رنجور شد دیگر کار من نبود. با اطرافیان به این نتیجه رسیدیم در آن اوضاع که هزینه درمان مادر به تنهایی کمرشکن بود بنا به ضرورت، هزینه سنگین گرفتن پرستار را هم با هدف کم کردن رنج مادر و نگهداری بهینه او تأمین کنیم.

با یک شرکت تأمین پرستار تماس گرفتیم، باکلی شرط و شروط یک بانوی پرستار جوان را برای پرستاری از مادر پذیرفتیم. الحاق که بسیار مسئولیت پذیر و توانمند بود و خیالمان را از بابت نگهداری بیمارمان تا حد زیادی آسوده کرد. اما مشکلات از فردای روز اول آغاز شد.

مصیبت بانفرین های مادر با این بهانه که «با کدام عقلتان یک غریبه را به خانه زندگی من آورده اید و چرا باید یک فرد ناشناخته من باشد!» آغاز شد و به همکاری نکردن با پرستار در خوردن غذا و دارو یا انجام امور نظافت رسید. پرستار ادامه کارش را باعث آسیب به بیمار می دانست و از ادامه کار انصراف داد. باز هم ما مانده ایم و مادری که در اوج درد و رنج و ناتوانی اش باید کمکش می کردیم.

چند روز که گذشت به این نتیجه رسیدیم که واقعا این موضوع از توان من و خواهرم خارج است و باید به فکر پرستار دیگری باشیم. این بار خانم سن و وسایل داری از سوی شرکت معرفی شد که صبورانه تر کج رفتاری های از سر رنج بیمار ما را تحمل می کرد. ماهم دل خوش از این موضوع، روزها راهی محل کار و زندگی مان می شدیم و شب ها به نوبت نگهداری از مادر را به عهده داشتیم. اما این خوش حالی چند روزی بیش نپایید و بانوی پرستار کم آورد و از ادامه کار در کنار مادر عذر خواست.

مشکلات مادوباره شروع شد. مادر کم در چهار فراموشی و مشکلات بیشتری شده بود و این مسئله سختی کارمان را بیشتر می کرد. در ۲۰ روز آخر عمر گران مادر دو نفر دیگر هم آمدند و رفتند و سرانجام یک پرستار شبانه روزی ۱۲ روز آخر که مادر در شرایط بسیار ناگوار بود و دیگر توان مخالفت نداشت از او پرستاری می کرد و پس از فوت مادر هم چند روزی در کنارمان ماند.

ماجرا با درگذشت مادرم خاتمه پیدا نکرد. پرستار مامان مشکلاتی را برایمان به وجود آورد و هنوز پس از گذشت سه سال از فوت مادر جیره بگیر و ویژه خانواده ماست و جدا کردنش از بدنه خانواده تقریباً امری محال شده است. از این ماجرا مدتی بیشتر نگذشته بود که پدرم در چار ناتوانی هایی در حرکت و در نهایت منجر به انجام یک جراحی سنگین در ناحیه گردنش شد. پدر که حالا دیگر تنها هم شده بود برای گذراندن دوره نقاهت طولانی اش به ناچار باز هم من و خواهرم را به پیش بینی حضور یک پرستار معتمد شبانه روزی واداشت. تقریباً همه همکاران و دوستان را برای پیدا کردن پرستار مناسب بسیج کردیم. با شرکت های مختلفی تماس گرفتیم اما پیدا کردن چنین موردی برای کوتاه مدت تقریباً به موضوعی غیرممکن می مانست. پدر ۳ شبانه روز به دستور پزشک و یک شبانه روز هم به درخواست من در بیمارستان بستری بود تا پرستاری پیدا کنیم.

پس از چند روز مرخصی از محل کارم و بعد از مرخص شدن با با بیمارستان نمی دانستیم در آن شرایط جسمی اش چگونه او را در خانه تنها بگذارم و سر کار بروم! بیش از این هم نمی توانستیم مرخصی بگیریم. به خواهرم هم مرخصی نمی دادند. در همین تنگنا گیر افتاده بودم که از یکی از شرکت ها تماس گرفتم و خبر خوش پیدا شدن یک پرستار متعهد و کاربلد را دادند. هماهنگ کردیم و پرستار سر ساعت آمد. پس از کمی گفت و گو ظاهر پدر او را نپسندید. وقتی پرستار خواست برای امتحان در برخواستن پدرم از جایش، کمکش کند، پدرم چنان خود را در این حرکت ناتوان نشان داد که پرستار از ناتوانی خودش در ادامه کار ترسید و فرار را برقرار ترجیح داد و هزینه اسنیش را دادم و رفت.

باز هم من ماندم و پدر خوابیده در بستر که نیازمند رسیدگی ویژه بود. پرستار دوم و سوم هم آمدند و با نافرمانی و همکاری نکردن با ما رفتند. با پدرم بحث کردم و گفتیم واقعا دیگر نمی توانیم بمانیم و مجبورم بروم. اگر پرستار جدید را ببراند خودش می ماند و مشکلات جسمی اش. به نظر کوتاه آمد و بانوی مسنی آمد و پرستاری از با با را در نبود ما به عهده گرفت. اما مشکلات ما تازه شروع شد.

هر روز و هر ساعت تماس های پراز گلایه پرستار یا با با به تناب و تلاش برای راضی کردن پرستار به ماندن همچنان ادامه داشت تا اینکه یک روز یکی از همسایه های پدرم تماس گرفت و گفت صدای فریاد های با با کوچ را برداشته است. با عجله از محل کار خودم را به منزل پدر رساندم و متوجه شدم با با برای بیرون کردن پرستارش تهدید به خوردن قرص کرده و با خانم پرستار به نوعی درگیر شده است و با داد و فریاد می خواهد پرستار را مجاب به رفتن کند. این خانم مهربان گریه می کرد و از من کمک می خواست. کلی التماسش کردم که ۱۵ روز دیگر تا برخواستن پدر از بستر بیماری شرایط را تحمل کند و به مراقبت او طبق قراردادمان ادامه دهد. برای راضی و خوشنود کردنش او را با هزینه شخصی به آرایشگاه و خرید بردم و در آن مدت، کلی باج دادم تا بدقلقی های پدر را تحمل کند.

سرانجام آن یک ماه جهنمی گذشت و پرستار بیچاره انگار از بند زندان رها شده باشد از خانه پدرم متواری شد. اما باز هم تا مدت ها بعد، از من در قبال مراقبت های همراه با سختی کارش در آن مدت، کمک های مختلف مالی دریافت می کرد.

خلاصه خداوند بیماری و ناتوانی را نصیب هیچ بنده ای نکند. پیدا کردن پرستار خوب خودش داستانی جدا و حفظ آن پرستار ما ماجرای دیگری است که فقط گرفتارهایش تجربه کرده اند.

پرسش از شما، پاسخ از ما



همراهان گرامی می توانید پرسش های خود با موضوع پزشکی، روان شناسی و شخصیت شناسی را به روش های زیر با ما در میان بگذارید و در کوتاه ترین زمان ممکن پاسخ آن ها را در همین صفحه مشاهده کنید.

مشاغل خرد با آثار کلان

مشاغل خانگی فقط کمکی به معیشت خانواده نیستند، چرخ اقتصاد کشور را هم می چرخانند

معصومه متین نژاد اگر تورم بالای ناشی از تحریم های ظالمانه برکشورمان در این نیم قرن گذشته را نادیده بگیریم، باز هم شرایط اقتصادی همه گیر در دنیا به قدری سخت شده و زندگی روزمره را با چالش روبه رو کرده که نیاز است. زن و مرد هم پای هم کار کنند یا سرپرستان خانوار شغل دومی هم برای خودشان در نظر بگیرند. ناگفته نماند که این مسئله اتفاق جدیدی در بین خانواده های ایرانی نیست و در گذشته نه چندان دور هم، زنان هم پای مردان کار می کردند. فقط این کارها نمود اجتماعی کمتری داشت. برای نمونه زنان بخش زیادی از نیازهای خانواده را خودشان در خانه تأمین می کردند. در حالی که امروزه همه آن ها باید از بازار تهیه و بخش زیادی از درآمد خانواده صرف تأمین آن ها شود. بنابراین وقتی صحبت از مشاغل خانگی می کنیم برای خیلی از خانواده ها موضوع غریبی نیست. فقط قدری جسارت و شجاعت برای شروع کار می خواهد که اگر پیش از هر اقدامی همه جوانب آن سنجیده شود. این فکری که بی مورد هم از زمین خواهد رفت. برای همین امروز یک بار دیگر می خواهیم در این باره با هم صحبت کنیم.

مزیت کسب و کارهای خانگی

ما به همه کسانی که شغل ثابتی دارند و به دنبال کار دیگری می گردند یا خانه دار هستند و وقت آزاد زیادی دارند و می خواهند کمک مالی برای معیشت خانواده شان باشند، توصیه می کنیم یک شغل خانگی منطبق با علاقه مندی خود دست و پا کنند. اگر می خواهید بدانید که چرا تا این اندازه بر مشاغل خانگی اصرار داریم، به این چند مزیت و برتری این گونه شغل ها دقت کنید.

- درآمد این مشاغل بیشتر از مشاغل اداری و شبه اداری است.
- نیاز به سرمایه گذاری یا ابزار کار زیادی ندارد.
- استعداد و خلاقیت شما و اطرافیان را پرورش می دهد.
- امکان به کارگیری و درگیر کردن دیگر افراد خانواده و فامیل را دارد.
- انعطاف پذیری در وقت و استقلال کافی برای انجام کار دارید.
- در شرایط بد اقتصادی این شغل ها دوام بیشتری دارند.
- به فضای کاری خاصی نیاز نیست و چند کار را می توان در یک فضا انجام داد.
- امکان برندسازی و توسعه کسب و کار را دارید.

تحقیق پیش از شروع کار

به جای فکر کردن درباره اینکه چه شغلی درآمدزاتر است، به این فکر کنید که به انجام چه کاری علاقه دارید. علاقه عامل مهمی است تا هم خلاقیت هایتان بیشتر شکوفا شود و هم در صورت برخورد با مشکلات، راحت تر از سد آن ها عبور کنید. پس از آن نیاز است که قدری دودوتا چهارتا کنید و دیگر جوانب کار را در نظر بگیرید. برای نمونه به این موارد زیربنایی باید بتوانید جواب بدهید.

- سرمایه، لوازم، نیروی انسانی و مکان مورد نیاز این کار را می توانم فراهم کنم؟
- انجام این کار نیاز به مجوز از نهاد های دولتی یا شبه دولتی دارد؟
- مهارت لازم برای این کار را دارم یا باید دوره خاصی را بگذرانم؟
- بازار هدف محصولات تولیدی ام کجاست؟
- تا چه اندازه بازار این کار اشباع شده است؟
- وام به راه اندازه این شغل تعلق می گیرد؟
- با یک جست و جوی ساده در فضای مجازی می توانیم اطلاعات زیادی را درباره شغل مدنظرمان به دست آوریم.



مشاغل رایانه ای = تایپ و طراحی و...



مشاغل خدما تی = آرایشگری و خیاطی و...



تولید صنایع دستی = گلیم بافی، گیوه بافی و...

دسته بندی کلی از مشاغل خانگی

برخی مشاغل خانگی پرترف دار

مشاغل خانگی محدود نمی شوند به آنچه ما آن ها را با آن عنوان می شناسیم. خیلی از محصولاتی که در سال های اخیر به بازار راه پیدا کرده اند، ما حاصل تفکر خلاق سازنده آن ها بوده اند. بنابراین نیازی نیست که حتما خودتان را محدود کنید به آنچه در بازار عرضه می شود. با این همه، می توانید به این حرفه ها فکر کنید.

دوخت پوشاک	پرورش گل و گیاه	پرورش قارچ	تولید گیاهان دارویی	محصولات چرمی	پرورش زالوو حلزون طبی	زیورآلات سنتی
تولید عطرهای خاص	تولیدات چوبی و منبت	سنگ های نیمه قیمتی	سنگ های نیمه قیمتی	سنگ های نیمه قیمتی	سنگ های نیمه قیمتی	سنگ های نیمه قیمتی

یادگیری مهارت های مرتبط

روش های زیادی وجود دارد برای اینکه بتوانید در زمینه شغل مورد نظرتان مهارت آموزی کنید. کافی است بنابه وقت و هزینه ای که می خواهید برای آن انجام بدهید یکی از این راه ها را انتخاب کنید.

شرکت در دوره های آموزشی ای که در سطح شهر برگزار می شود نخستین راه برای کسب این مهارت هاست. این دوره ها معمولاً هزینه زیادی هم ندارند مانند مراکز فنی و حرفه ای که به شما گواهی نامه و خدمات حمایتی هم برای آموزش هایتان ارائه می کنند. خوشبختانه این روزها بخش زیادی از این کلاس ها، به ویژه آن هایی که تئوری هستند، به صورت آنلاین برگزار می شوند.

استفاده از فضای مجازی هم راه دیگری برای کسب این مهارت هاست. شما به راحتی می توانید آخرین اطلاعات و تجربه ها در این زمینه را با صرف کمترین هزینه و وقت از طریق شبکه های اجتماعی به دست آورید. از مقاله های علمی گرفته تا ویدئوهای آموزشی مفروضه ای که صاحبان این مشاغل آن ها را با دیگران به اشتراک می گذارند.

استفاده از تجربه افرادی که در این راه قدم گذاشته اند، بهترین روش عملی برای یادگیری مهارت های جدید است. پس بگردید و این افراد را در اطراف خودتان یا شبکه های اجتماعی ای بیابید که عضوان ها هستند. با این کار خیلی راحت میان برها را یاد می گیرید و از اشتباه های فرامی کنید که آن ها در این مسیر مرتکب شده اند.

با آنکه عصر فضای مجازی و آنلاین است، هنوز هم بهترین اطلاعات را می توانید در کتاب ها و نشریات تخصصی پیدا کنید.

گاهی می توان از حضور یک استاد کار ماهر برای شروع بهره گرفت. ولی اگر بخواهید خودتان سوار کار باشید، باید دست کم با الفبای اولیه کار آشنایی داشته باشید.

سعی کنید حتی اگر مهارتی را بلدید، از به روز شدن در آن غافل نشوید.

سعی نکنید همه چیز را فشرده و ظرف چند روز یاد بگیرید چون با این کار خیلی زود خسته می شوید.

بازارهای هدف برای فروش

همه می دانیم که داشتن پشتکار و همت در انجام هرکاری پیش از داشتن استعداد و سرمایه، ما را در رسیدن به هدفمان کمک می کند. پس آهسته و پیوسته به راهتان ادامه دهید. همچنین همیشه باید یادمان باشد که دوام آوردن در بازار یا همان بازاریابی، بیش از کسب مهارت زمان و انرژی می خواهد و راز موفقیت ما هم در همین است. بنابراین، بخشی از آنچه راه به دنبال آن هستیم باید در فروشگاه ها و بازارهای خرد، بخشی را در کانال ها و گروه های مجازی و بخشی را هم بین دوستان و آشنایانمان جست و جو کنیم.